



## The Jurisprudence of Hadith (*fiqh al-ḥadīth*) concerning the Hadiths addressing “Reflection in the Qur’an” with Emphasis on the Semantic Components of Reflection

Husayn Şiddīqī<sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> A PhD of the Qur’an and Hadith Sciences, a Graduate of the Fourth Level of the *Suṭūh* Levels of Islamic Theology at the Islamic Seminary (of Qum), and a Lecturer at the Specialized Center of Islamic Theology and Exegesis, [seddighihosein@gmail.com](mailto:seddighihosein@gmail.com)

### KEYWORDS

Reflection in the Qur’an, hadith jurisprudence (*fiqh al-ḥadīth*), semantics, reflection hadiths, comparative understanding

Received:

06 May 2024

Accepted:

27 July 2024

Article type: Research Paper

### ABSTRACT

In the contemporary era, approaches to “reflection (*tadabbur*) in the Qur’an” have seen significant and increasing growth. However, defining what constitutes reflection, analyzing its semantic components, and relating it to exegesis (of the Qur’an) face serious challenges. Consequently, various and sometimes conflicting viewpoints have emerged. Since “reflection” is a Qur’anic concept reflected in the discourse of the Infallibles and the exegetes of the Qur’an, analyzing the hadiths on “reflection in the Qur’an” through hadith jurisprudence can assist in uncovering the semantic components of reflection. In this article, using hadith jurisprudence methods, eight traditions concerning “reflection in the Qur’an” are analyzed, and ultimately, six semantic components of the concept of “reflection in the Qur’an” are extracted.

\* Corresponding author.

E-mail address: [seddighihosein@gmail.com](mailto:seddighihosein@gmail.com)





## دراسات في فقه الحديث

### فقه الحديث لأحاديث «التدبر في القرآن»؛ المكونات الدلالية للتدبر مثلاً

حسين صديقي<sup>أ\*</sup>

أدكتوراه في علوم القرآن والحديث، خريج المرحلة الرابعة في الكلام الإسلامي ومدرس في المركز المتخصص في الكلام الإسلامي والتفسير؛  
seddighihosein@gmail.com

ملخص البحث	الألفاظ المفتاحية
لقد ازدادت أساليب «التدبر في القرآن» في القرن المعاصر ازدياداً مضطرباً ولافتاً. ومع ذلك فإن تبيين ماهية التدبر وتحليل مكوناته الدلالية ومدى علاقته بالتفسير، يواجه تحديات واشكالات لا يُستهان بها. وهذا ما أدى إلى طرح رؤى مختلفة ومتفاوتة بل ومتناقضة أحياناً. وبما أن «التدبر» مفهوم قرآني له انعكاساته في كلام المعصومين (عليهم السلام) وفي أقوال مفسري القرآن، فإن تحليل فقه الحديث أحاديث «التدبر في القرآن» يمكن أن يساعدنا على كشف مكونات دلالة التدبر. يستفيد هذا البحث من منهجية فقه الحديث، ويسلط الضوء على ثمانية روايات حول «التدبر في القرآن» ليستخرج في ختام المطاف ستة مكونات دلالية لمفهوم «التدبر في القرآن».	التدبر في القرآن، فقه الحديث، الدلالة، أحاديث التدبر، الفهم المقارن تاريخ الاستلام: ٢٤ شوال ١٤٤٥ تاريخ القبول: ٢١ محرم ١٤٤٦ نوع المقال: بحث

\* المؤلف المسؤول.



## فقه الحدیث احادیث «تدبر در قرآن» با تأکید بر مؤلفه‌های معنایی تدبر

حسین صدیقی الف\*

الف دکترای علوم قرآن و حدیث، دانش‌آموخته سطح چهار رشته کلام اسلامی و مدرس مرکز تخصصی کلام اسلامی و تفسیر؛

seddighihosein@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>رویکردهای «تدبر به قرآن» در سده معاصر رشد فزاینده و چشمگیری داشته است. با این حال، تبیین چستی تدبر و تحلیل مؤلفه‌های معنایی آن و نسبت‌سنجی آن با تفسیر با چالش‌های جدی مواجه است. به همین دلیل، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقضی مطرح شده است. از آنجا که «تدبر» یک مفهوم قرآنی است که در کلام مفسران قرآن و معصومان <small>علیهم‌السلام</small> بازتاب داشته است، تحلیل فقه‌الحدیثی احادیث «تدبر در قرآن» می‌تواند ما را در کشف مؤلفه‌های معنایی تدبر یاری رساند. در مقاله پیش‌رو، با استفاده از روش فقه‌الحدیث، هشت روایت پیرامون «تدبر در قرآن» مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت، مؤلفه‌های شش‌گانه معنایی مفهوم «تدبر در قرآن» استخراج شده است.</p>	<p>تدبر در قرآن، فقه‌الحدیث، معنانشناسی، احادیث تدبر، فهم تطبیقی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

### مقدمه

«تدبر» مفهومی قرآنی است که در پژوهش‌های قرآنی سده معاصر، به اصطلاحی خاص و پربسامد تبدیل شده است، به گونه‌ای که امروزه، رویکرد «تدبری» به قرآن کریم، به موازات رویکرد سنتی «تفسیر قرآن»، به‌عنوان نوعی مواجهه خاص با قرآن، در جهان اسلام مطرح است.

از جمله چالش‌های تدبرپژوهی، تبیین چستی تدبر و تحلیل مؤلفه‌های معنایی آن و در نتیجه نسبت‌سنجی آن با تفسیر است. اگرچه رویکردهای گوناگون تدبری معاصر، این واژه را از کاربست قرآنی آن به عاریت گرفته و گاه، معنای آن را روشن و واضح می‌شمارند،<sup>۱</sup> اما در بسیاری از موارد، شناخت مفهوم حقیقی این وظیفه قرآنی مغفول مانده است<sup>۲</sup> و پرسش‌های فراوانی درباره ذهنیت تدبرگرایان از حقیقت تدبر و نیز نسبت تدبر با دیگر گونه‌های فهم و تعامل با قرآن شکل می‌گیرد؛ تا جایی که برخی تدبرپژوهان، کاستی‌های تبیین چستی «تدبر» و نسبت‌سنجی آن با «تفسیر» را از آسیب‌های مشترک رویکردهای تدبری برشمرده‌اند.<sup>۳</sup>

۱. التدرّب عند اللغویین، ص ۱۳۷.

۲. جریان‌شناسی تدبر در قرآن، ص ۱۳۲.

۳. همان، ص ۱۲۶.

بر این اساس، کشف مؤلفه‌های معنایی «تدبّر در قرآن» امری بایسته و ضروری خواهد بود. واژه «تدبّر» از یک ماده (ریشه) و یک هیئت (ساختار) برخوردار است. «ریشه» و «ساختار» عناصر اصلی مفهوم‌ساز یک واژه هستند و تفاوت هر یک از این دو، مفاهیم کلمات را از یکدیگر جدا می‌کند. البته ماده در این میان نقش بیشتری دارد. گروهی با چشم‌پوشی از این مهم، معنای برخی از واژگان متفاوت را یکسان دانسته و تدبّر را با واژه‌هایی مانند تعقل و تفکر هم‌معنا دانسته‌اند، ولی به نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی تدبّرگرایان تأکید کرده‌اند، این نگاه مسامحه‌ای تنها در گفتگوهای عادی و عمومی پذیرفته است، نه در قرآن کریم که از هرگونه تسامح در بیان به دور است.<sup>۱</sup> بنابراین، به کندوکاوی عمیق‌تر برای دستیابی به معنای آن نیازمندیم.

از آنجا که اهل بیت علیهم‌السلام ترجمان قرآن بوده و روایات ایشان مبین و مفسّر مفاهیم قرآنی هستند، یکی از راه‌های دستیابی به مؤلفه‌های مفهوم «تدبّر در قرآن»، بلکه مهم‌ترین و اصیل‌ترین منبع در این راستا، بررسی فقه‌الحدیثی احادیث مرتبط با مسئله تدبّر در قرآن است.

در آثار روایی گذشته غالباً عنوان «تدبّر در قرآن» به صورت متمایز مورد توجه نبوده است. در این میان، علامه مجلسی در بحارالانوار، در ذیل کتاب القرآن، بابی با عنوان «فضل التدبّر فی القرآن» آورده است و در آن به دو بیان، یکی از منیة المرید و دیگری از اسرار الصلوة، که در آنها به مضمون چند روایت اشاره شده، پرداخته است. مضامین این روایات و ارتباط آنها با عنوان باب «فضیلت تدبّر در قرآن» جالب توجه است:<sup>۲</sup>

الف. روایتی مرفوع با این مضمون که منظور از حکمت در آیه «یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد أوتی خیراً کثیراً»،<sup>۳</sup> معرفت به قرآن از حیث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابهش و... است؛

ب. روایت نبوی «أعربوا القرآن و التمسوا غرائب»؛

ج. مضمونی درباره سنت آموزش قرآن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اصحاب که اصحاب ۱۰ آیه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گرفتند و تا به آن آیات

علم نمی‌یافتند و عمل نمی‌کردند، به سراغ ۱۰ آیه دیگر نمی‌رفتند؛

د. از نظر ابن عباس، شخصی که قرآن را می‌خواند اما تفسیر آن را نمی‌داند، مانند اعرابی‌ای است که به سرعت شعر می‌خواند.

ه. روایتی که بر اساس آن، اعرابی‌ای نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد تا قرآن را فرا بگیرد؛ زمانی که آیات ﴿فمن یعمل مثقال ذرة خیراً یره و

من یعمل مثقال ذرة شرّاً یره﴾ را دریافت کرد، گفت: مرا بس است؛ و رفت، و پیامبر فرمود: فقیه رفت.

روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

لقد تجلّی الله لخلقه فی کلامه و لکنهم لا یبصرون؛ خداوند در کلامش برای مردم تجلی کرده است، اما ایشان

نمی‌بینند.<sup>۴</sup>

این تشبّث نقل در روایات ذیل باب «فضل التدبّر فی القرآن»، نشان می‌دهد که در آن زمانه، مسئله «تدبّر» به‌عنوان یک کلیدواژه پرتکرار و قابل توجه در ادبیات دین‌پژوهی و به ویژه قرآن‌پژوهی حضور نداشته است. به ویژه آنکه می‌بینیم حتی برخی روایات دیگر که حاوی واژه «تدبّر» هستند، در این باب نقل نشده است. بر این اساس، گمانه می‌رود که تصویر روشن و دقیقی از «تدبّر»، نزد حدیث‌پژوه ماهر چون مجلسی و نیز همکاران وی وجود نداشته است.

در عصر حاضر نیز، اگر به میزان الحکمه، اثر جامع حدیثی آیت‌الله ری‌شهری؟ ره؟، بنگریم، عنوان مستقلی برای تدبّر نمی‌یابیم، در حالی که مواردی چون «تشویق به تلاوت»، «حق تلاوت»، «حفظ قرآن»، «پاداش حاملان قرآن» در قالب عناوین مستقلی مطرح شده است. مؤلف «تدبّر» را ذیل عنوان «قرائت قرآن» در مقام برشمردن آداب شش‌گانه آن آورده است: ۱. تمیز کردن دهان، ۲.

۱. درسنامه روش تدبّر در قرآن، ص ۱۴.

۲. معناشناسی «تدبّر» در قرآن کریم، ص ۲.

۳. بقره: ۲۷۹.

۴. زلزال: ۷ و ۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۶.

استعاده، ۳. ترتیل خوانی، ۴. تدبیر، ۵. خشوع، ۶. عمل. وی پس از نقل آیات چهارگانه تدبیر، شش روایت نقل کرده است که تنها در دو روایت، واژه تدبیر آمده و سه روایت ناظر به سرعت ختم قرآن و یک روایت درباره «نظر افکندن در آیات خدا» است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد این رویکرد پیامی را به دنبال دارد: اگرچه امروزه تدبیر در قرآن به‌عنوان رویکردی ویژه در تعامل با قرآن، در عداد یا مقابل قرائت، حفظ و تفسیر قرآن به‌شمار می‌رود، اما چنین خوانشی، پیشینه‌ای در تراث روایی و فرهنگ حدیث‌پژوهی ندارد و حتی در سال‌های نگارش این کتاب وزین حدیثی هم، به‌عنوان یک مسئله ویژه مورد نظر نگارنده نبوده است. بی‌گمان، اگر نگارنده محترم، امروزه به نگارش کلیدواژه «قرآن» میزان الحکمه همت می‌گماشت، بحث از «تدبیر»، غنی‌تر و پربارتر مطرح می‌شد.

ناگفته نماند برخی تدبیرپژوهان معاصر گفتارهایی بر اساس «روایات تدبیر» سامان داده‌اند، اما ایشان بر اساس معنای از پیش پذیرفته شده از «تدبیر» وارد عرصه روایات شده‌اند و به دنبال فهم معنای تدبیر و کشف مؤلفه‌های معنایی آن در گستره روایات نبوده‌اند، بلکه برای بررسی و تبیین ضرورت، کارکرد و مصادیق تدبیر، بحث روایی را مطرح کرده‌اند؛ از این روی، مفاهیم دیگر روایی چون «حق تلاوت»، «دراسه القرآن»، «استنطاق»، «فهم»، «رعایت (عقل رعایت)»، «تدبیر» و... را که هم‌معنا و متناظر با تدبیر می‌شمردند، در بحث وارد نموده‌اند.<sup>۲</sup> در آثار تدبیرگرایان اهل سنت، روایاتی مربوط به آداب تلاوت قرآن هم ذیل این بحث آورده شده است.<sup>۳</sup>

### تحلیل فقه‌الحدیثی روایات «تدبیر در قرآن»

با توجه به پیشینه یادشده، پژوهش استوار و عالمانه پیرامون «تدبیر در قرآن» در بستر روایات، با دشواری‌ها و حساسیت‌های ویژه‌ای همراه است؛ چرا که از یک سو، تبیین محدثان از این رویکرد قرآنی، چندان پرمایه و راهگشا نیست و از سوی دیگر، خوف آن می‌رود که فهم‌های این زمانی و عصری از «تدبیر»، بر روایات تدبیری سایه افکنده و معانی تحمیلی عصری بر آنان بار گردد.

در ادامه، هشت روایت متناسب با «تدبیر در قرآن» با دقت مورد مطالعه فقه‌الحدیثی قرار خواهد گرفت تا مؤلفه‌های معنایی «تدبیر» کشف گردد. پیش از آن، توجه به آیات چهارگانه تدبیر، ضروری است تا تناسب روایات با آیات تدبیر، بهتر درک شود:

۱. ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>۴</sup> [این]، کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیاتش تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند.
۲. ﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ﴾<sup>۵</sup> آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!
۳. ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾<sup>۶</sup> آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند
۴. ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾<sup>۷</sup> آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل‌های (مخصوص) نهاده شده است؟!<sup>۸</sup>

یافته‌های این چهار آیه را می‌توان در قالب جدول زیر در کنار هم نهاد تا مقایسه، ارزیابی و جمع‌بندی بهتر شکل بگیرد و در ادامه در فهم و تحلیل بهتر روایات تدبیر به کار آید:

۱. همان، ج ۹، ص ۳۵۵-۳۵۶.

۲. روش‌ها و شیوه‌های تدبیر در قرآن کریم، ص ۴۱-۷۸ و ۱۴۰۰، ص ۹۳-۱۹۰؛ «بازشناسی لغوی و روایی مفهوم تدبیر قرآن و ارائه الگوی عملی و مراحل آن»، ص ۵۵۴؛ مقایسه تفکر، تدبیر و تعمق در قرآن و احادیث، ص ۱۳۳-۱۵۲.

۳. هشت مرحله تدبیر، ص ۱۵-۱۷.

۴. ص: ۲۹.

۵. مؤمنون: ۶۸.

۶. نساء: ۸۳.

۷. محمد: ۲۴.

عنوان/آیه	ص، ۲۹	مؤمنون، ۲۳	نساء، ۸۳	محمد، ۲۴
مکی / مدنی	مکی (سوره ۳۸)	مکی (سوره ۷۴)	مدنی (سوره ۹۲)	مدنی (سوره ۹۵)
مخاطب آیه	پیامبر اکرم	خطاب در آیه نیست، (گر چه پیامبر، مخاطب عمومی آیات است، به ویژه به قرینه آیه ۷۲)	خطاب در آیه نیست (گر چه پیامبر، مخاطب عمومی آیات است)	خطاب در آیه نیست (گر چه پیامبر، مخاطب عمومی آیات است)
خطاب تدبیر (اصلی)	عموم مردم	مشرکان (کفار) (البته با صیغه غائب)	منافقان یا مؤمنان سست ایمان	منافقان و سست ایمانان بیمار دل
خطاب تدبیر (تبعی)	تعریض به مشرکان	ندارد؛ چون مؤمنان در رسالت و حقانیت قرآن شک یا انکار ندارند	همه مردم (برای درک پیراستگی قرآن از اختلاف و الهی بودن قرآن)	همه مردم
متعلق تدبیر	آیات	القول	القرآن	القرآن
کارایی تدبیر	تذکر	رهایی از انکار قرآن و پیامبر به قرینه آیات پیشین	پی بردن به الهی بودن قرآن (به خاطر درک عدم وجود هیچ ناسازگاری، تناقض و اختلاف در قرآن)	پی بردن به سعادت بخش بودن دستورات الهی به ویژه فرمان جنگ (به قرینه آیات پیشین)
ساختار فعل تدبیر	مضارع (منصوب)	مضارع مجزوم به لم	مضارع مرفوع	مضارع مرفوع
نوع جمله	اخباری	انشایی (استفهام انکاری و توییحی)	انشایی (استفهام انکاری توییحی یا تحریضی)	انشایی (استفهام توییحی)
واژگان همراه	انزال / مبارک / تذکر / اولی الالباب	تلاوت (در آیات پیشین)	وجدان اختلاف کثیر	قلوب / قفل قلب / مرضی قلب (در آیات پیشین)

### روایت اول

پیامبر اکرم ﷺ: «تدبروا القرآن المجید فقد دلکم علی الأمر الرشید»؛ «در قرآن با مجد و عظمت تدبیر کنید تا شما را به امر مطلوب و درست رهنمون سازد.»<sup>۱</sup>

«تدبر» از ماده «دبر» برخلاف «قبل» به معنی پشت و پشت سر اشیاء،<sup>۲</sup> پایان و آخر هر چیز<sup>۱</sup> و زاویه<sup>۲</sup> آمده است. بر اساس برخی دیدگاه‌ها، این واژه در باب «تفعل» به معنای مطاوعه به کار رفته است.<sup>۳</sup> در این صورت، کشف معنای «تدبیر» (باب تفعل) مهم است.<sup>۴</sup>

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۸۰.

۲. الصحاح، ج ۲، ص ۶۵۳.

ایشان با توجه به معانی «تدبیر»، از جمله: ژرف‌نگری و عاقبت‌اندیشی: «التدبیر: النظر فی عاقبة الامور»؛<sup>۵</sup> تنظیم امور در رساندن آن‌ها به عاقبت نیکو و مطلوب،<sup>۶</sup> «تدبیر» را به معنای «حصول تدبیر» معنا می‌کنند؛ یعنی: «توجه به عاقبت موضوعی»؛<sup>۷</sup> یا: «دریافت چپینش حکیمانه».<sup>۸</sup> با این حال، به دلایل متعدد، مطاوعه‌انگاری معنای واژه «تدبیر» درست نیست و معانی دیگر باب تفعیل («تدریج» و «تکلف») در این واژه مدنظر است.<sup>۹</sup>

### یافته‌ها

امر به تدبیر در قرآن بر ضرورت آن دلالت دارد؛ یعنی شما نیاز به تدبیر در قرآن دارید، پس باید در آن تدبیر کنید. یک. متعلق تدبیر، قرآن است.

دو. تدبیر در قرآن دلالت‌گری و راهنمایی دارد، پس از راه دلالت تدبیر، گزاره‌های هدایتی و رشدآفرین برمی‌خیزد؛ (دلکم - الرشید). واژه «دلالت» در قرآن آمده است:

﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ﴾؛ «آیا شما را به کسی که سرپرستی او را بر عهده گیرد راهنمایی کنم؟».<sup>۱۰</sup>

﴿مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ﴾؛ «وقتی او را می‌رانندیم، چیزی جز موربانه جن و انس را به مرگ او رهنمون نشد».<sup>۱۱</sup>

﴿هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾؛ «آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند راه نمایم؟».<sup>۱۲</sup>

بر اساس این کاربست‌های قرآنی، واژه «ادلکم» در روایت، معنایی متناسب با فضای اندیشه و ادراک را به ذهن منتقل می‌کند. از این رو، تدبیر در این روایت باید متناسب با حوزه ادراک معنا شود، نه قلب و احساسات.

سه. تدبیر در قرآن با رشد (راه‌یابی به حقایق) ملازمه دارد؛ (تدبیروا... الأمر الرشید).

واژه‌های «رشد»، «رشاد»، «رشید»، و «راشدون» در قرآن ۱۹ مرتبه آمده است و به معنای رسیدن به واقع و هدایت یافتن و رسیدن انسان به کمال وجودیش به کار رفته است.<sup>۱۳</sup>

رشد یک نوع قدرت تشخیص مسئولیت‌آفرین و تعهدآور است. قرآن مجید در مورد یتیمان می‌فرماید که وقتی آنان را صاحب رشد دیدید، اموالشان را به آنها بدهید.<sup>۱۴</sup> این مسئله بعد از بلوغ جنسی آنان بیان می‌شود، یعنی رسیدنشان به مرحله توانائی نکاح. قرآن می‌خواهد بفهماند که برخلاف استنباط غلط و رایج بعضی‌ها که می‌گویند «رشد» همان بلوغ جنسی

۱. مقایس اللغة، ج ۲، ص ۳۲۴؛ الطراز الاول، ج ۷، ص ۴۱۴.

۲. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۱۳۶.

۳. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۷۳).

۴. درسنامه روش تدبیر در قرآن، ص ۱۹.

۵. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ماده دبر.

۶. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۸۶.

۷. همان، ج ۳، ص ۱۷۳.

۸. تدبیر در قرآن کریم همراه با استناد و استدلال، ص ۲۲.

۹. تحلیل انتقادی رویکردهای تدبیری به قرآن در سده معاصر، ص ۱۲۴-۱۲۶.

۱۰. طه: ۴۰.

۱۱. سبأ: ۱۴.

۱۲. صف: ۱۰.

۱۳. نصری، ۱۳۹۴.

۱۴. نساء: ۳.

است، «رشد» عبارت است از قدرت تشخیص و تمییز مسئولیت‌آفرین در بهره‌برداری از امکانات و استعدادها، یعنی مرحله‌ای از کمال عقلی.<sup>۱</sup>

با این اوصاف، نتیجه تدبّر در قرآن، «رشد» است؛ یعنی قدرت تشخیصی به متدبّر می‌دهد که زمینه عمل درست وی خواهد بود.

### روایت دوم

پیامبر اسلام ﷺ در خطبه غدیر فرمود:

معاشر الناس تدبّروا القرآن و أفهموا آياته...؛ ای گروه‌های مردم! در قرآن تدبّر کنید و آیات آن را بفهمید...<sup>۲</sup>.

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبّر، قرآن است.

دو. در کنار دستور به «تدبّر»، سخن از «فهم آیات» است و می‌تواند تفسیری برای «تدبّر» شمرده شود.

سه. همه اقشار مورد خطاب حضرت هستند، پس «تدبّر در قرآن»، امری همگانی است.

چهار. برخی از تقدیم «تدبّر» بر «فهم» در این روایت، زمینه‌ساز بودن تدبّر برای فهم را استفاده کرده‌اند.<sup>۳</sup> این نکته در صورتی قابل پذیرش است که «تدبّر»، امری برون از «فهم» بوده و از سنخ «فهم» نباشد که چنین تصویری از «تدبّر» دشوار است و با یافته‌های قرآنی نمی‌سازد.

پنج. اینکه در خطبه غدیر، سخن از «تدبّر در قرآن» است، ارتباط میان «تدبّر در قرآن» و درک مسئله «ولایت» روشن می‌شود؛ در روایتی نقل شده است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لو تدبّروا القرآن شيعتنا لما شكوا في فضلنا؛ اگر شیعیان ما در قرآن تأمل و تدبّر می‌ورزیدند، قطعاً در فضیلت ما شک نمی‌کردند.<sup>۴</sup>

### روایت سوم

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ألا لا خير في قراءة ليس فيها تدبّر؛ آگاه باشید، هیچ خیر و فایده‌ای در قرائت بدون تدبّر نیست.<sup>۵</sup>

این روایت بخش‌های پیشینی هم دارد که توجه بدان ما را در فهم بهتر روایت مدد می‌رساند. حضرت پیش از فراز فوق می‌فرماید:

ألا أخبركم بالفقير حقّ الفقيه من لم يفطن الناس من رحمة الله و لم يؤمنهم من عذاب الله و لم يرخص لهم في معاصي الله و لم يتزك القرآن رغبة عنه إلى غيره ألا لا خير في علم ليس فيه تفهم؛ آیا می‌خواهید از فقیه راستین به شما خبر دهم؟ کسی است که مردمان را از رحمت خدا نومید نکند و آنها را از عذاب الهی ایمن نسازد و در نافرمانی خدا به ایشان اجازه ندهد و به خاطر تمایل پیدا کردن به افکار دیگر، دست از قرآن برندارد. آگاه باشید که در علمی که با تفهم و دریافت درست همراه نباشد، خیری نیست.

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبّر، قرآن است که به قرینه «قرائت» فهمیده می‌شود. (یا بگوییم، متعلق خود «قرائت [قرآن]» است؛ یعنی هیچ خیر و فایده‌ای در قرائت [قرآن] بدون تدبّر نیست.)

دو. قرائت قرآن، هدف از نزول نیست؛ قرائت بستر تدبّر است و از این رو، ارزشمند است.

۱. رشد در قرآن، ص ۳.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۰.

۳. روش‌ها و شیوه‌های تدبّر در قرآن کریم، ص ۴۳.

۴. حلیة الأبرار، ج ۶، ص ۳۹۲. اگر چه در این روایت نیز واژه تدبّر آمده است، اما از آنجا که تنها در منابع متأخر نقل شده است، تنها به عنوان شاهد و مؤید از آن بهره بردیم و به عنوان یک روایت مستقل مطرح نشده است. مشابه مضمون روایت اخیر، روایت داود بن فرقد از امام صادق علیه السلام است که حضرت فرمود: «لَوْ قُرئ القرآن كما أنزل لألفيتنا فيه مسئين» (حلیة الأبرار، ج ۱، ص ۵۱)

۵. الکافی، ج ۱، ص ۳۶.

سه. قرائت بی تدبیر، خیر و ثمری ندارد. یعنی قرآن مبارک و پرخیر و فایده، اگر با تدبیر همراه نشود، برکت و خیرش به ما نمی‌رسد. (لا خیر).<sup>۱</sup>

چهار. فهم عمیق دین (تفقه) انذار را در پی دارد.<sup>۲</sup>

پنج. فهم عمیق دین (تفقه) از رهگذر رویگردان نشدن از قرآن تحقق می‌یابد و راهکار رویگردان نشدن، همراه شدن قرائت قرآن با تدبیر است.

شش. از کارکردهای تدبیر در قرآن، «فقاہت راستین» است.

### روایت چهارم

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

تدبّروا آیات القرآن و اعتبروا به فأنه ابلغ العبر؛ آیات قرآن را مورد تدبیر قرار دهید و از آن عبرت بگیرید که به راستی قرآن رساترین عبرت‌هاست.<sup>۳</sup>

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبیر، آیات قرآن است و با آیه ۲۹ سوره ص مناسبت دارد: ﴿لِيَذَّبُوا آيَاتَهُ﴾

دو. براساس این روایت، هدف از تدبیر یا نتیجه تدبیر، عبرت‌گیری است. از آنجا که در آیه ۲۹ سوره ص، در پی تدبیر در آیات، سخن از تذکر آمده است و در اینجا در پی تدبیر در آیات، سخن از «عبرت»، خوب است درباره نسبت آن‌ها بررسی شود. «عبرت»، در قرآن نوعاً با «اولی الابصار» همراه شده است.<sup>۴</sup> در حالی که «تذکر» با «اولی الالباب» همراه شده است. اما در یک مورد «عبرت» هم با «اولی الالباب» همراه شده است:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾؛ به یقین در سرگذشت یوسف و برادرانش، برای خردمندان درس عبرتی است.<sup>۵</sup>

اگر «بصیرت» را در این موارد به معنای «معرفت و اندیشه‌ورزی» بگیریم که با «اولوا الالباب» هم‌معنا است یا قرابت معنایی دارد. اگر هم بگوییم عنایتی در موارد به کارگیری «اولی الابصار» وجود داشته است تا با نوعی معنای استعاره‌ای، نهایت درجه ظهور و روشنی آن معارف مدنظر را برساند<sup>۶</sup> یعنی مسئله چنان روشن است که چشم را بازکنی مایه عبرت است و اگر چه عبرت، کار چشم دل است، با چشم سر هم می‌شود درک کرد. در این صورت، درباره «عبرت» سه حالت شکل خواهد گرفت:

گاهی «چشم‌ها پرده دارد و با آنکه جای عبرت است، نمی‌تواند عبرت بگیرد»: ﴿وَلَهُمْ أَغْنَيْنُ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا﴾.<sup>۷</sup>

گاهی «چشم‌ها بی‌پرده است و صاحبان بصر عبرت می‌گیرند»: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾.<sup>۸</sup>

گاهی «عبرت و پندپذیری باید با عنایت بیشتر اندیشه، آن هم اندیشه و خرد ناب همراه باشد»: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾.<sup>۹</sup>

۱. مرتبط با مضمون آیه ۲۹ سوره ص.

۲. مرتبط با مضمون آیه ۱۲۲ سوره توبه: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ﴾.

۳. غررالحکم و دررالکلم، ح ۴۹۳.

۴. آل عمران: ۱۳؛ نور: ۴۴؛ حشر: ۲.

۵. یوسف: ۱۱۱.

۶. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۹۲.

۷. اعراف: ۱۷۹.

۸. آل عمران: ۱۳.

۹. یوسف: ۱۱۱.

به هر روی، همه عبرت‌ها یا نوعی از آن، با «لب» و اندیشه سرکار دارد. با این اوصاف، نسبت این روایت با آیه ۲۹ سوره ص بسیار قوی‌تر خواهد بود. افزون بر این، تأکید بیش‌تری بر این مطلب خواهد بود که «تدبّر» با فضای معرفت و ادراک و خرد سرکار دارد، البته درک ناب، عبرت‌خیز و تذکرساز است و در ادامه بر «قلب» و «احساسات آدمی» اثر می‌گذارد.

### روایت پنجم

پیامبر خدا ﷺ در مقایسه انس خود با قرآن نسبت به توجه دیگران فرمود:

اجل أنا أقرأ لبطنی و أنتم تقرؤونه لظہر. قالوا یا رسول اللہ ﷺ! ما البطن؟ قال: أقرأه أوتدبّره و أعمل بما فیہ و تقرؤونه أنتم هكذا و أشار بیدہ فأمرها؛ أری من قرآن را برای ژرفایش می‌خوانم و شما برای ظاهرش. پرسیدند: ای رسول خدا، ژرفا و بطن قرآن چیست؟ فرمود: من می‌خوانم و تدبّر در قرآن می‌کنم و بدان عمل می‌کنم، ولی شما این چنین می‌خوانید. (دست را بر خطوط مرور داد و نمایاند که چشم را مانند دست، تنها بر ظاهر خطوط قرآن عبور می‌دهید).<sup>۱</sup>

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبّر ضمیر «ه» است که به قرآن برمی‌گردد.

دو. تدبّر می‌تواند حرکت در عمق و ژرفای آیه باشد؛ چون حضرت در تبیین «قرائت بطنی»، «قرائت با تدبّر» را مطرح کردند و با استفاده از راهکار تدبّر، به قرائتی متفاوت از عموم دست یافت که وصف «بطن» (در مقابل ظهر) بر آن صادق است و همین بیان، بر نوعی ژرف‌نگری و عمق‌بخشی به قرائت اشاره دارد.

سه. تدبّر، تسهیل‌کننده یا هدایتگر به سمت عمل باید باشد. «تدبّر»، هدف نهایی نیست. (مشابه برداشت از آیه ۲۹ سوره ص و دیگر آیات قرآن که هدایت و... را هدف نزول شمردند).

چهار. در این روایت هم تدبّر در بستر قرائت مطرح شده است.

### روایت ششم

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان پیش از خواندن قرآن، بلکه پیش از گشودن قرآن، در حالی که قرآن را به دست راست

خویش داشتند، دعایی می‌خواندند. حضرت در فرازی از این دعا این‌گونه می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَ قِرَاءَةً تَفْكَرًا وَ فِكْرًا اِغْتِبَارًا وَ اجْعَلْ لِي مِمَّنِ اتَّعَطَّ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي كِتَابَكَ عَلَيَّ قَلْبِي وَ لَا عَلَيَّ سَمْعِي وَ لَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً وَ لَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبَّرُ فِيهَا بَلِ اجْعَلْ لِي اِتِّدَبُّرًا آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ أَخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَ لَا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا قِرَاءَتِي هَذْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ؛ خدایا! پیمان نامه و کتابت را گشودم. خدایا! نگرستن مرا در آن عبادت قرار ده، و خواندند را اندیشیدن، و اندیشیدنم را مایه عبرت؛ و چنان کن که از پنجاهی تو در آن پند گیرم، و از گناهانت دوری جویم، و هنگام خواندن آن بر دل و گوشم مهر مزن، و بر چشمم پرده می‌کن، و خواندندم را خواندنی بی تدبّر قرار مده، بلکه چنان کن که در آیات و احکام آن تدبّر کنم، و دستورات دین تو را از آن به دست آورم؛ نگرستن مرا در آن توأم با غفلت و خواندندم را خواندنی تند و شتاب‌زده مگردان، که تویی تو که مهربان و بخشاینده‌ای.<sup>۲</sup>

در این روایت، قرآن با وصف «عهدنامه الهی» آمده است؛ در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

قرآن، پیمان‌نامه‌ای است از خدا برای آفریدگان او، پس وظیفه مرد مسلمان است که در پیمان‌نامه خود بنگرد، و در هر روز پنجاه آیه از آن بخواند.<sup>۳</sup>

۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۲۸۷۹.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۳۷۲.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹.

بر این اساس، تأکید بر قرائت مستمر قرآن به دلیل ویژگی «پیمان‌نامه بودن» قرآن است. روشن است که قرائت بی‌تدبیر پیمان‌نامه سودی ندارد. با این بیان، کارکرد تدبیر، «درک و یادآوری پیمان‌نامه» است. با این نگاه، فرازهای دعا پیوند خوبی با هم خواهند داشت: پیمان‌نامه، قراردادی است که در آن وظایف متعهد و پیمان‌سپار آمده است. او هر روز در آن می‌نگرد تا با تفکر در آن، مفاد قرارداد و پیمان را بجوید و بفهمد؛ تذکرات و هشدارها را مدنظر قرار دهد؛ با دیدن وعده‌های پاداش، انگیزه حرکت و عمل بیابد. دغدغه او این است که نکند مفاد را درست نفهمیده باشد و از حرکت درست بازماند. از این رو، از خدا می‌خواهد بر ابزارهای ادراکی او (قلب و سمع) پوشش نهد و قرائت او را «متدبرانه» قرار دهد تا در آیات و احکام الهی تدبیر کرده، دستورات دین را از آن به دست آورد و او را از نگاه غافلانه به قرآن و قرائت تند و شتاب‌زده آن مصون بدارد.

### یافته‌ها

یک. اگر قرآن، پیمان‌نامه است، قرائت قرآن نمی‌تواند خود هدف باشد؛ خواندن پیمان‌نامه بدون تفکر و تدبیر چه ارزشی دارد؟! دو. «تدبیر» در این روایت، دو بار آمده است، یک بار به صورت اسم (مصدر) و یک بار به صورت فعل. در اولی متعلق تدبیر، قرآن است و در دومی آیات و احکام. در نتیجه، تدبیر همان‌گونه که در «لفظ قرآن و آیات» آن جریان دارد، می‌تواند نسبت به «احکام قرآن» نیز جاری باشد.

سه. اینجا «قلب» در عرض «سمع» و «بصر» آمده که قوای ادراکی هستند؛ از این رو «قلب» نیز در این روایت، بر معنای توانمندی ادراکی دلالت دارد. (سازگار با یافته‌ها در بحث از آیات قرآن).

چهار. «پرده بر سمع و بصر» و «مهر قلب» با فضای آیات ۲۳ و ۲۴ سوره محمد تناسب دارد. تدبیر در قرآن با وجود مانع، متدبیر را به ثمرات و کارکردهای «تدبیر» نمی‌رساند؛<sup>۱</sup> از این رو، امام، پیش از درخواست «قرائت متدبرانه»، نبودن موانع را طلب می‌کند. پنج. از مقابله «قرائت با تدبیر» و «قرائت تند و شتاب‌زده» می‌توان فهمید که قرائت با تدبیر، قرائت با تأنی و آرامش است (متناسب با واژه قرآنی «ترتیل») و این ویژگی تدبیر، با معنای تدریج در باب تفعل مناسبت دارد.

شش. در ادامه درخواست قرائت متدبرانه در آیات و احکام، «اخذ شرایع دینی» از نتایج و لوازم تدبیر ذکر شده است؛ از این رو، مترجم الحیاة چنین ترجمه کرده است: «چنان کن که در آیات و احکام آن تدبیر کنم، و دستورات دین تو را از آن به دست آورم».<sup>۲</sup> بر این اساس، گاهی کارکرد تدبیر، به دست آوردن شریعت (دستورات و احکام دینی) است. (متناسب با مضمون روایت سوم) هفت. قرائت متفکرانه، در یک راستا و کنار قرائت متدبرانه آمده است و «تفکر» مایه عبرت شمرده شده است. در روایت چهارم، «تدبیر» مایه عبرت شمرده شده بود ﴿فَإِنَّهُ أُبْلَغُ الْعِبْرَةِ﴾. همچنین «تفکر در قرآن»، زمینه «اتعاظ» را فراهم می‌کند؛ همان‌گونه که «تدبیر در قرآن»، زمینه «تذکر» را فراهم می‌کند. جالب آنکه در خود قرآن، ثمرات بیان سرگذشت پیامبران، «موعظه» و «تذکر» برای مؤمنان شمرده شده است:

﴿وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾

نتیجه آن که از این روایات، قرابت معنایی و کارکردی «تفکر» و «تدبیر» به دست می‌آید؛ با «تفکر» و «تدبیر» در آیات الهی است که «موعظه» (اتعاظ) و «ذکر» (تذکر) تحقق می‌یابد.

هشت. قرائت همراه با تدبیر در قرآن، نعمت ارزشمندی است که باید از خداوند درخواست کنیم تا روزی ما هم بشود. نُه. «تدبیر» با «قرائت» ارتباط وثیقی دارد، مسئله «تدبیر» در چند روایت و از جمله روایت مذکور، در بستر قرائت مطرح شده است. با این حال، نمی‌توان از این روایت، چنین برداشت کرد که تدبیر حتماً باید ضمن قرائت باشد. قرائت شایسته، باید با تدبیر همراه باشد، اما تدبیر هم همیشه با قرائت همراه است یا نه؟ روایت نسبت به آن ساکت است. البته ممکن است کسی فراتر از آن را بگوید و بر این باور

۱. مضمون آیه ۲۴ سوره محمد.

۲. الحیاة، ج ۲، ص ۱۵۷.

باشد که نه تنها ساکت نیست، بلکه از عبارت «تدبر احکامه»، خلاف این انحصار را هم می‌فهمیم؛ چرا که تدبر در احکام، ضرورت ندارد در قالب تلاوت رخ دهد.

اما برداشت اخیر می‌تواند با برخی نقدها مواجه باشد؛ چرا که فضای روایت، متناسب با قرائت است. افزون بر آن، سبک تفسیری پیامبر هم آن بود که پس از نزول آیات، آنها را دسته دسته بر مردم قرائت می‌کرد و احکام و معارف آن دسته را برای مردم بیان می‌فرمود. در این صورت، این برداشت که «تدبر در احکام»، تدبر در ضمن قرائت آیات و نه مجزای از آن باشد، پذیرفتنی‌تر است، اگر چه احتمال «تدبر در احکام» خارج از قرائت، به طور کامل نفی نمی‌شود.

به هر روی، این که قرائت، زمینه «تدبر» را فراهم می‌کند، مطلب درستی است، اما این که «تدبر» فقط در تلاوت قرآن تحقق می‌یابد و نه بیرون یا بعد از آن، به نظر پذیرفتنی نیست و نیازمند دلیل است. از روایاتی از این دست هم انحصار فهمیده نمی‌شود. (اثبات شیء، نفی ما عدا نمی‌کند).

### روایت هفتم

از امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر «حق تلاوت» در آیه **﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾** روایت شده است:

يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَ يَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ وَ يَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَ يَرْجُونَ وَعْدَهُ وَ يَخْشَوْنَ عَذَابَهُ وَ يَتَمَثَّلُونَ قِصَصَهُ وَ يَعْتَبِرُونَ أَمْثَالَهُ وَ يَأْتُونَ أَوْامِرَهُ وَ يَجْتَنِبُونَ نَوَاهِيَهُ مَا هُوَ وَ اللَّهُ بِحِفْظِ آيَاتِهِ وَ سَزِدْ حُرُوفِهِ وَ تِلَاوَةِ سُورِهِ وَ دَرَسِ أَعْشَارِهِ وَ أَحْمَاسِهِ حَفِظُوا حُرُوفَهُ وَ أَضَاعُوا حُدُودَهُ وَ إِنَّمَا هُوَ تَدْبِيرُ آيَاتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ؛ مراد این است که آیات آن را صحیح می‌خوانند و مراعات وقف و وصل و سایر آداب قرائت را می‌نمایند. و در معانی آن دقت می‌کنند و به احکام آن عمل می‌کنند. و به وعده‌های آن امیدوارند و از وعیدهای آن می‌ترسند. از قصه‌های آن عبرت می‌گیرند. و به آنچه امر شده در آن می‌پذیرند و از آنچه نهی شده در آن باز می‌ایستند. و به خدا قسم، مراد حفظ آیات آن و یادگیری حروف آن نیست و خواندن سوره‌های آن و یادگیری [تقسیمات آن مانند جزء و حزب و نیز] ده قسمت و پنج قسمت آن منظور نیست. حروف آن را حفظ می‌کنند و حدود آن را ضایع می‌کنند و جز این نیست که مراد از «تدبر در آیات»، آن کارها است. خدا می‌فرماید: «کتابی پر برکت به سوی تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبر کنند»<sup>۲</sup>

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبر در این روایت، مانند آیه ۲۹ سوره ص که در روایت به آن اشاره شده، «آیات» است. دو. از آنجایی که پایان این روایت به آیه ۲۹ سوره ص استشهد شده است، این روایت در مقام تبیین «تدبر قرآنی» است و ارزش مفهومی آن از دیگر روایات بالاتر است.

سه. ضمیر «هو» در **﴿إِنَّمَا هُوَ تَدْبِيرُ آيَاتِهِ﴾** به فرایند مذکور در جملات قبلی اشاره دارد که از «ترتیل» و «فهم آیات» آغاز شده و به «عمل به احکام»، «اعتبار» و «اجتناب از محرّمات» منجر می‌شود.

چهار. بر اساس فرمایش امام، «تدبر» با «ترتیل آیات» تناسب دارد که در آیه **﴿وَ تَرْتِلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾**<sup>۳</sup> به آن اشاره شده است. در حدیثی در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

ان القرآن لا يقرأ هذرمة، و لكن يرتل ترتيلاً، اذا مررت بأية فيها ذكر النار وقفت عندها، و تعوذت بالله من النار؛ قرآن را تند و دست و پا شکسته نباید خواند، بلکه باید به آرامی تلاوت کرد. هنگامی که به آیه‌ای می‌رسی که در آن ذکر آتش دوزخ شده است، توقف می‌کنی (و می‌اندیشی) و به خدا از آتش دوزخ پناه می‌بری.<sup>۴</sup>

۱. بقره: ۱۲۱.

۲. مجموعه وزام، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. مزمل: ۴.

۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۴۶.

با این توصیف، نقطه مقابل «ترتیل» و «تدبیر»، «تند و شتابان خواندن» (هذرمه) است. (این برداشت از روایت پیشین هم به دست آمده بود).

پنج. بر اساس فرمایش امام، «تدبیر» با «فهم معانی» تناسب دارد. (این برداشت نیز با روایات پیشین و آیات تدبیر، سازگار است.) شش. اگر چه در نگاه بدوی، همه این مراحل در حقیقت «تدبیر» دخیل هستند، اما با توجه به دیگر روایات و نیز مضمون آیه مورد استناد حضرت، تنها «ترتیل آیات» و «فهم معانی» در مفهوم «تدبیر» دخیل هستند.

به عبارت دیگر، امام در مقام تبیین «حق تلاوت»، فرآیندی را ترسیم می‌کند و سر آخر می‌فرماید: «این چیزی جز تدبیر آیات نیست»؛ یعنی این گونه تلاوت، مصداقی از تدبیر را شکل می‌دهد، البته مصداق اتم. نکته جالب توجه این است که حضرت از میان آیات تدبیر به آیه ۲۹ سوره ص اشاره فرمودند که در آنجا هم «تذکر» اولی الالباب به‌عنوان پیامد «تدبیر» آمده است. کوتاه سخن این که امام، این موارد گسترده را طرح فرموده است تا «تدبیر معیار و کارآمد» را در برابر مؤمنان به تصویر بکشد. این موارد - با لحاظ مجموعی - در تحقق «تدبیر» دخیل نیستند، بلکه در تحقق «تدبیر کارآمد» مؤثر هستند؛ «تدبیری» که به «تذکر» و «عمل» بینجامد.

البته روشن است که تحقق تلاوت این‌چنینی بسیار دشوار است. از این رو، در برخی روایات دیگر، مراد از «الذین» در این روایت را «ائم» عَلَيْهِمُ السَّلَام معرفی کرده‌اند؛ یعنی مصداق کامل تالیان قرآن با رعایت حق تلاوت، «ائم» عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند.<sup>۱</sup> همان‌ها که مصداق کامل «اولوا الالباب» هستند و تدبیر ایشان نیز، قاعدتاً تدبیری کارآمد و معیار است.

### روایت هشتم

در مجموعه ارزشمند توصیه‌نامه تفصیلی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به معاذ بن جبل، توصیه به «تدبیر در قرآن» شده است:

أَوْصِيكَ بِاتَّقَاءِ اللَّهِ... وَ التَّفَقُّهِ فِي الدِّينِ وَ تَدْبِيرِ الْقُرْآنِ وَ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَ الْجَزَعِ مِنَ الْحِسَابِ وَ...؛ به تو وصیت می‌کنم که به خداترسی... و تلاش برای فهم عمیق در امور دین و تدبیر در قرآن و یادکرد آخرت و ترسان‌بودن از حساب در روز جزا و...» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۳)

### یافته‌ها

یک. متعلق تدبیر در این روایت، «القرآن» است.

دو. اگر چه امر به «تدبیر» نیست، اما توصیه و سفارش پیامبر، از اهمیت تدبیر در قرآن حکایت دارد، به ویژه آن‌که در این توصیه‌نامه به نسبت طولانی، تنها مواجهه «تدبیری» با قرآن یاد شده است و از دیگر فعالیت‌های قرآنی، چون حفظ و قرائت و تلاوت سخنی به میان نیامده است.

سه. «تدبیر» میان دو مسئله قرار گرفته است؛ یک سوی «فهم عمیق دین» و سوی دیگر، «تذکر» و «آخرت‌اندیشی و ترس از حساب». این بیان سیر از فهم به تذکر، تأثیرپذیری و انگیزه پیدا کردن برای عمل را به خاطر می‌اندازد و با مضمون آیه ۲۹ سوره ص مناسبت دارد: «تدبیر»، ابزار فهم دین و در ادامه دستیابی به «تذکر» است. یکی از مهم‌ترین مسائل در قرآن، بحث از آخرت و حساب دقیق الهی در قیامت است. در نتیجه تدبیر در قرآن، متذکر به امر آخرت خواهد شد و باور او به حساب دقیق روز قیامت افزون می‌شود. وقتی از زبان لقمان حکیم در قرآن می‌شنود که به فرزندش فرمود: «ای پسر عزیزم، (عمل آدمی) اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی در دل سنگ سختی یا در آسمان‌ها یا داخل این زمین باشد، خداوند آن را (در روز قیامت) خواهد آورد (تا بر اساس آن جزا دهد)؛ زیرا خدا دقیق و باریک‌بین و آگاه است».<sup>۲</sup> او هم انگیزه پیدا می‌کند در رفتارهایش دقیق و باریک‌بین گردد؛ عمل درستش را افزون گرداند و از رفتارهای نادرست دوری گزیند.

چهار. در این روایت هم از ساختار مصدری «تدبیر» استفاده شده است.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵۷.

۲. لقمان: ۱۶.

## نتیجه‌گیری

- اکنون پس از بررسی دقیق روایات هشت‌گانه مرتبط با تدبّر در قرآن، نتایج فقه‌الحدیثی این روایات را به شرح زیر برمی‌شماریم:
۱. به نظر می‌رسد که کلیدواژه «تدبّر در قرآن» در لسان معصومان علیهم‌السلام، که تالیان و ترجمان قرآن هستند، ناشی از همان مفهوم قرآنی «تدبّر» است. این مدعا که در روایات به مفهوم دیگری اشاره شده است، نیازمند اثبات و دلیل است و به نظر می‌رسد چنین دلیلی وجود نداشته باشد؛ به ویژه که در برخی روایات به آیات تدبّر نیز اشاره شده است.
  ۲. در روایات، مشابه برخی آیات تدبّر، مخاطب تدبّر، قشر خاصی قرار داده نشده است و دستوری همگانی است.
  ۳. در روایات، برخلاف آیات، علاوه بر ساختار فعلی، «تدبّر» به صورت اسم نیز یاد شده است، اما همچنان به صورت مصدر باب تفعّل است. بنابراین، هیچ‌گاه در آیات (بر اساس استقرای تام) و روایات (بر اساس استقرای حداکثری ناقص)، مسئله «تدبّر» در قرآن، در ساختاری خارج از باب «تفعّل» به کار نرفته است.
  ۴. در روایات، مشابه قرآن، گاهی «تدبّر» به «قرآن» و گاهی به «آیات» تعلق دارد. اما افزون بر این دو، در یک روایت، «احکام قرآن» نیز به‌عنوان متعلق تدبّر قرار گرفته است. بنابراین، معنا کردن تدبّر به مواردی چون «فهم انسجام آیات» نمی‌تواند تعریف کاملی از تدبّر باشد، چرا که چنین معنایی در تدبّر در احکام قرآن جای ندارد. تدبّر با درنگ در معانی سازگاری دارد، نه صرفاً ظاهر و متن قرآن.
  ۵. در کنار «تدبّر»، واژگانی چون «دلالت»، «فهم»، «تفکّر»، «تفقه»، «بطن»، «رشد»، «ذکر»، «اعتبار»، «اتعاظ» و «عمل» دیده می‌شود. واژگان «دلالت»، «فهم»، «تفکّر» و «تفقه» با فضای اندیشه‌ورزی سر و کار دارند و «بطن» تعمیق و ژرف‌نگری را به ذهن می‌آورد. واژه‌های «رشد»، «ذکر»، «اعتبار» و «اتعاظ» اگرچه با فضای اندیشه مرتبط هستند، اما آن را جهت می‌بخشند؛ تدبّر برای تدبّر نیست، بلکه برای «رشد»، «ذکر»، «اعتبار» (فهم مسئولیت‌آفرین)، «تذکر»، «عبرت‌گیری» و «پندپذیری» است تا زمینه و انگیزه کافی برای «عمل» فراهم شود و تدبّر به کارکرد خود دست یابد. به عبارت دیگر، «رشد»، «ذکر»، «عبرت» و «اتعاظ» و در ادامه «عمل»، فضای تدبّر را از نگاه اندیشه‌ای صرف بیرون می‌برد و غایت تأثیرپذیری و کنش بیرونی را به ذهن می‌آورد، همان‌طور که «تذکر» در آیه ۲۹ سوره ص چنین گسترش ذهنی را شکل می‌دهد. در فضای روایات هم، «تدبّر» یک هدف میانی به شمار می‌آید، برای رسیدن به «رشد»، «ذکر»، «اعتبار» و «اتعاظ»، و این موارد نیز برای رساندن فرد به «عمل» است.
  ۶. بر این اساس، وقتی هدف از نزول قرآن (آن کتاب خواندنی) تدبّر است، پس قرائت هم باید در این راستا باشد. اگر قرائت با «تدبّر» همراه نباشد و از پس این «تدبّر»، «رشد»، «تذکر»، «اعتبار»، «اتعاظ» و «عمل» حاصل نشود، قرائت بی‌خیر و بی‌ثمر است؛ بلکه گویا قرائت (به معنای واقعی) تحقق نیافته است. این بیان، ارتباط روایاتی چون روایت ذیل با «تدبّر» را روشن می‌کند: از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نقل شده که فرمود: «أَنْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ إِذَا لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تَقْرُؤُهُ»؛ «تو قرآن می‌خوانی مادامی که تو را از کار بد باز دارد، پس اگر چنین نیست، در حقیقت قرآن نخوانده‌ای!». <sup>۱</sup>
  ۷. از مجموع مباحث فقه‌الحدیثی پیشین می‌توان مؤلفه‌های زیر را برای مفهوم «تدبّر در قرآن» برشمرد:
 

**واجهه مطلوب همگانی:** «تدبّر»، مواجهه مطلوب همگانی با قرآن است؛ از این رو، اهل بیت علیهم‌السلام بر تدبّر همگانی قرآن تأکید کرده‌اند (روایات اول، دوم، چهارم) و نسبت بدان توصیه کرده‌اند (روایت هشتم) و قرائت بی‌تدبّر را «بی‌خیر» و «بی‌ثمر» شمرده‌اند (روایت سوم).

**فکر:** تدبّر، مواجهه‌ای فکری با قرآن است. از این جهت، هر تدبّر، شامل «عملیات فکری» است. (نمونه: «دلالت» در روایت اول؛ ارتباط «قرائت متفکرانه» و «قرائت متدبرانه» در روایت ششم)

۱. شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۰، ص ۲۳.

**فهم:** مواجهه فکری در تدبّر، پس از فهم و برای رسیدن به فهم است؛ بنابراین، تدبّر با دو فهم سروکار دارد. توضیح بیشتر آنکه تدبّر، عملیات فکری است و فکر، حرکت از معلوم به سمت مجهول است. پیش‌زمینه تدبّر، فهم اولیه و ابتدایی است (معلوم) تا در اثر تدبّر، به لایه بالاتر فهم (مجهول) برسد. مثلاً کسی که با زبان عربی آشنایی ندارد و تصویری از واژگان و عبارات قرآن ندارد، چگونه می‌خواهد در قرآن «تدبّر» کند و به فهم بالاتر دست یابد؟ (نمونه: روایت دوم: «تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ...» و روایت هفتم: «يَتَفَهَّمُونَ مَعَانِيَهُ»).

**ظاهر یا غیر ظاهر:** برای پیگیری و پی‌جویی لایه بعدی فهم، درنگ و تأمل لازم است. با توجه به کارکردهای تدبّر که پیش‌تر بحث شد، این تأمل نمی‌تواند تنها به فهم ظاهر قرآن محدود شود. (تعبیر «بطن» در روایت پنجم؛ تعبیر تدبّر در احکام قرآن در روایت ششم).

**فهم تطبیقی:** فهم همیشه به معنای پیگیری و پی‌جویی معنای جدید نیست؛ گاه پیگیری جریان یافتن مفاهیم و معانی آیات در زندگی است و این از راه تطبیق فهم اولیه با جزئیات زندگی شخص متدبّر اتفاق می‌افتد. (تعبیر عبرت‌گیری در روایت چهارم؛ چرا که لازمه عبرت‌گیری، تطبیق پیام آیات با زندگی شخصی است).

**جهت‌دار و هدفمند:** «تدبّر در قرآن»، راهکار درمان است، به شرط آنکه بدانیم «قرآن، پیمان‌نامه الهی» است (روایت ششم)؛ قرآن «طهارت‌بخش و حیات‌بخش» است و انگیزه ما در تدبّر باید دستیابی به این مقاصد باشد. (تعبیر عبرت‌گیری: «و اعتبروا» در روایت چهارم) تدبّر در قرآن، از قبیل «فهم برای فهم» نیست، بلکه «فهم برای هدایت‌یابی» است (روایت اول: «تدبّر» به «امر رشید» رهنمون می‌سازد) و برای عمده مخاطبان که مسلمانان هستند، «فهم برای تذکر» و «فهم برای عمل» است. (روایت پنجم: «أَتَدَبَّرْهُ وَ أَعْمَلُ بِمَا فِيهِ»؛ روایت ششم: «أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ أَخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ»؛ روایت هفتم: قرائت همراه با اثرپذیری و عمل به آیات را «تدبّر در آیات» معرفی می‌کند).

## فهرست منابع

۱. إرشاد القلوب إلى الصواب، ديلمی، حسن بن محمد، قم: انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲. بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۳. تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی، محمد مرتضی، بیروت: انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، مصطفوی، محمد حسن، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۵. تحلیل انتقادی رویکردهای تدری به قرآن در سده معاصر، صدیقی، حسین، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، ۱۴۰۲ق.
۶. تدبّر در قرآن کریم همراه با استناد و استدلال، صبوحی طسوجی، علی، قم: انتشارات بلاغت، ۱۳۸۹ش.
۷. التدبّر عند اللغویین، العاید، صالح بن حسین، انتشار در مجموعه مقالات همایش تدبّر در ریاض با نام «مفهوم التدبّر تحریر و تأویل»، ۱۴۳۰ق.
۸. تفسیر العیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۹. تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسماعیلان، ۱۴۱۵ق.
۱۰. جریان‌شناسی تدبّر در قرآن، صبوحی طسوجی، عباس، استاد راهنما: علی راد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۴ش.
۱۱. حلیة الأبرار في أحوال محمد و آله الأطهار عليهم السلام، بحرانی، سید هاشم، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۲. الحیة، حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ق.
۱۳. درسنامه روش تدبّر در قرآن، الهی‌زاده، محمد حسین، چاپ دوم، مشهد: انتشارات تدبّر در قرآن و سیره، ۱۳۹۶ش.
۱۴. رشد در قرآن، حنایی فریمانی، حمیده، نشریه آثار ارسالی به هفدهمین جشنواره قرآنی دانشجویان سراسر کشور، ۱۳۸۸ش.
۱۵. روشمندی تدبّر در قرآن در بیان معصومان، مرادی زنجانی، حسین، استاد راهنما: عزت الله مولایی نیا، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه قم، ۱۴۰۰ق.
۱۶. روش‌ها و شیوه‌های تدبّر در قرآن کریم، مرادی زنجانی، حسین، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹ش.
۱۷. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
۱۸. الطراز الاول، مدنی، سید علیخان، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۲۶ق.
۱۹. غرر الحكم و درر الكلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
۲۰. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۲. مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه کتاب «تنبيه الخواطر و نزهة النواظر»، ورام، مسعود بن عیسی، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.
۲۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، میرزا حسین، بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۴. معناشناسی «تدبّر» در قرآن کریم، رهنما، هادی، انتشار در مجموعه مقالات مسابقات بین المللی قرآن کریم، اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶ش.

۲۵. مقایسه تفکر، تدبیر و تعمق در قرآن و احادیث، شعرباف، فروغ، استاد راهنما: امیر توحیدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. ۱۳۹۳ ش.

۲۶. مقایسه اللغة، ابن فارس، احمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۲۷. میزان الحکمة، با ترجمه فارسی، محمدی ری شهری، محمد، چاپ یازدهم، قم: انتشارات مؤسسه علمی دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.

۲۸. میزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، چاپ پنجم، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.

۲۹. هشت مرحله تدبیر، ترجمه کتاب المراحل الثمان لطالب فهم القرآن، العوید، عصام صالح محمد، مترجم: جمال‌الدین علی خواجه، تهران: نشر احسان، ۱۳۹۸ ش.

### مقالات

۳۰. «بازشناسی لغوی و روایی مفهوم تدبیر قرآن و ارائه الگوی عملی و مراحل آن»، عباسی مقدم، مصطفی، انتشار در مجموعه مقالات همایش ملی جریان‌شناسی تدبیر قرآن کریم و ظرفیت‌های اجتماعی آن، کوشش: قاسم درزی، اراک: جهاد دانشگاهی، ص ۵۳۷-۵۸۸، ۱۴۰۱ ش.